



نشر

حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مسووفی قزوینی

(به سال ۷۴۰ هجری قمری)

تصحیح

میرهاشم محدث



انتشارات سفیر ادب

فهرست مطالب

پیش گفتار	۱۳
مقدمه (در ذکر ترتیب ابداء افلاک و انجم و عناصر و مایععلق بذلک من الآثار العلویة والسفلیة).....	۱۰۷
باب اول (بر تواریخ که ایرانیان بر آن عمل می کنند).....	۱۸۹
باب دوم (در تواریخی که در ایران عملی نیست).....	۲۳۱
در ذکر ربع مسکون و شرح طول و عرض اقالیم سبعة و اطراف آن.....	۲۶۴
مقاله اول: در ذکر تکوین موالید ندره که مین و نبات و حیوان است.....	۲۷۵
مرتبه اول (در معدنیات).....	۲۷۹
مرتبه دوم (در نباتات).....	۳۲۲
صورت اول (در ذکر اشجار مثمره).....	۳۲۵
صورت دوم (در ذکر اشجار آزاد و غیر مثمره).....	۳۵۱
شکل دوم (در نجوم).....	۳۶۲
الادویه	۳۸۲
المشعومات	۴۱۱
السایره	۴۱۸
مرتبه سیوم (در ذکر حیوانات).....	۴۲۱
وجه اول (در ذکر حیوانات بری).....	۴۲۳

۴۳۴.....	وجه دوم (در ذکر حیوانات وحشی)
۴۵۲.....	وجه سیوم (در ذکر سباع ضاره)
۴۶۲.....	وجه چهارم (در ذکر هوام و سوام)
۴۷۶.....	وجه پنجم (در ذکر حیوانات که بعضی اعضاءشان به آدمی ماند)
۴۷۹.....	نوع دوم (در ذکر حیوانات بحری)
۴۹۱.....	نوع سیوم (در ذکر حیوانات هوائی)
۵۲۷.....	مقاله دوم (در ذکر نوع انسان)
۵۴۱.....	نظر اول (در شرح کیفیت اعضای انسانی و قوا و فواید آن)
.....	صفت اول (در شرح کمال کیفیت اعضا و دانستن ترکیب خلقت صورت و معنی اعضا و اجزای انسان)
۵۴۱.....	
.....	صفت دوم (در ذکر قوا و اعضای که حق تعالی آن را در وجود آدمی جهت قوام بدن آفریده)
۵۸۱.....	
.....	صفت سیوم (در ذکر خواص و فواید اعضا و جوارح انسان که هیچ حیوانی را با انسان در آن شرکت نیست)
۵۹۰.....	
۵۹۷.....	نظر دوم (در اخلاق)
۶۸۹.....	نظر سیوم (در صفات و آثار نفوس قدرت ربانی در وجود انسان)
۶۹۶.....	نظر چهارم (در عشق اولی و طلب مولی که کمال نفس انسانی است و مقصود یزدانی)

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي نجّر في عجائب صنعته افكار الحكماء،
وقصّر عن مكنون بديع خلقه افهام العقلاء،
مميز الانسان بالعلم والحكم، خالق الصحة والسّقم،
والصلوة والسّلام على سيد العرب والعجم، ابي القاسم
محمد المصطفى النبيّ الخاتم، ووصيه ووزيره على
امير المؤمنين و ذريته الاحد عشر، سادة البشر وقادة
الامم، و اصحابه الذين هم مفاتيح العقد و حجاب
الظلم.

دوران تسلط وحشیان مغول یکی از تاریک‌ترین ادوار تاریخی اجتماعی ایران است، با این وجود یکی از درخشان‌ترین و شکوفاترین اعصار از جهت خلق آثار تاریخی است. شاهکارهای تاریخی و جغرافیائی که در این مقطع زمانی آفریده شدند کم نیستند. جامع التواریخ، تاریخ جهانگشای جوینی، مجمع الانساب شهبانکاره‌ای،

تاریخ بناکتی، تاریخ گزیده، ظفرنامه، نزهة القلوب، نظام التواریخ، تاریخ وصاف، غازان نامه نورالدین بن شمس الدین محمد همه در این دوره نوشته شده‌اند.

شرح حال حمدالله مستوفی

کتاب و منابعی که شرح حال حمدالله مستوفی را نوشته‌اند نوعاً کلیشه‌ای و تکراری است و کسی حرف تازه‌ای درباره‌ او ننوشته. این که سلسله نسبش به حرین یزید ریاحی می‌رسد و اجدادش مقامات لشکری و حکومتی بوده‌اند دردی از خواننده را دوا نمی‌کند.

اکثراً نام او با حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مستوفی قزوینی نوشته‌اند. استاد فقید دکتر عبدالحسین برائی در مقدمه تاریخ گزیده حدس زده‌اند که شاید نام او «حمد» بوده باشد و «ترکیب حمدالله به هیچوجه مشابه سایر اسامی مردم آن زمان نیست».^۱ که دلیل معقولی به نظر نمی‌رسد و استاد فقید ایرج افشار هم آن حدس را مردود دانسته‌اند.^۲

علامه فقید شیخ آغابزرگ طهرانی در الذریعة هر سه کتاب مستوفی را معرفی فرموده‌اند. در جلد بیست و هشتم حرف گاف و قلم فرموده‌اند: «گزیده مر بعنوان تاریخ گزیده» و در جلد سوم که حرف «تا» است مرقوم فرموده‌اند: «تاریخ گزیده لحمدالله بن اتابک بن حمد المستوفی القزوینی». در حرف «خل» که ظفرنامه را معرفی فرموده‌اند نوشته‌اند: «حمدالله بن ابی بکر احمد بن نصر المستوفی». اما در جلد بیست و چهارم ذیل نزهة القلوب مرقوم فرموده‌اند: «حمدالله بن اتابک بن حمد المستوفی». و در طبقات اعلام الشیعه مرقوم فرموده‌اند: «حمدالله بن اتابک (ابی بکر خ. ل.) بن احمد بن نصر المستوفی». از نه نسخه‌ای هم که اساس این تصحیح است (هشت نسخه خطی و

۱. مقدمه تاریخ گزیده، ص با.

۲. ذیل تاریخ گزیده، ص ۸.



یک نسخه چاپی) و در صفحات آینده معرفی می‌شوند، دو نسخه: «حمدالله بن ابوبکر بن حمد مستوفی قزوینی» و یک نسخه: «حمدالله بن ابی بکر بن احمد المستوفی القزوینی» و دو نسخه: «حمدالله بن ابی بکر بن حمد مستوفی القزوینی» و یک نسخه: «رحمة الله بن اتابک بن حمدالله المستوفی القزوینی» و سه نسخه: «حمدالله بن ابی بکر بن حمدالله المستوفی القزوینی» نوشته‌اند. استاد سعید نفیسی هم «حمدالله بن ابوبکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی» دانسته‌اند.^۱

از آنجا که ارطغرنامه را در سال ۷۳۵ هجری قمری و در چهل سالگی سروده است و در آنجا می‌گوید که پانزده سال برای سرودن این کتاب زحمت کشیده، پس می‌توان نتیجه گرفت که در ۶۱۰ هجری قمری به دنیا آمده است.

چو سالم در آم، باحد چهل

خوار گرد گشته شاهنشاه ملک دل

بکوشیدم از عون پروردگار

بگفتم حاکمین نامه نامدار

کشیدم در این پانزده سال رنج

بگفتم سخن پانزده بار پنج

زهجری شده هفصد و سی و پنج

بر از رنج این نامه‌ام بود گنج

کتاب ظفرنامه کردم تمام

ز ما بر پیمبر درود و سلام^۲

۱. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۱۴۴.

۲. ظفرنامه، ص لب.

سال وفات مستوفی معلوم نیست. علامه شیخ آغا بزرگ طهرانی و استاد عباس اقبال آشتیانی سال ۷۵۰ هجری قمری را سال وفات او دانسته‌اند که چون مستند به سندی نیست مورد قبول اهل علم قرار نگرفته است.

استاد عزیز در گذشته دکتر عبدالحسین نوائی در مقدمه تاریخ گزیده درباره مستوفی مرقوم فرموده‌اند: «اما راجع به شخص حمدالله مستوفی تنها می‌دانیم که از ابتدای جوانی بر سیره آباء و اجدادی «به شیوة عمل پیشگی» یعنی خدمات دولتی اشتغال ورزیده و چند بار جامع الحساب ممالک نوشته و سفرهای متعدد به تبریز و شیراز و اصفهان نموده و مدتی نیز در بغداد سمت «تقریر اموال» داشته و مهمترین مشاغل وی «حکومت نومان قزوین و ابهر و زنجان و طارمین» بوده است و این حکومت وی در سال ۷۱۱ هجری گرفتار یعنی همان سالی که سعدالدین آوجی وزیر به قتل رسیده و خواجه رشیدالدین فضل‌الله در کار خویش استقلال تمام یافته و کلیه حکام ولایات را از هواداران خود انتخاب نموده^۱ و به اصطلاح صاحب تاریخ گزیده: «به هر ملک امینی مقبول القول فرستاده است»^۲

آرامگاه مستوفی هنوز هم در شرق قزوین در بنائی کهن معروف به «گنبد دراز» باقی است.

علامه فقیه شیخ آغا بزرگ طهرانی در اثر جاودانه خرد طنائات اعلام الشیعة حمدالله مستوفی را چنین معرفی فرموده‌اند: «و هو حمدالله بن اتابک (ابو بکر، خ. ل.) بن احمد بن نصر المستوفی القزوینی (م حدود ۷۵۰) من اکبر المؤرخین والشعراء الحماسیین فی عهد المغول و معاصر رشیدالدین فضل‌الله و ابنه غیاث‌الدین محمد، و السلطان اولیجایتو و

۱. همین عادت که لله الحمد امروز هم بعد از هفتصد سال هنوز در جامعه ایران برقرار است و امروزه به «کابینه‌های اتوبوسی» معروف است.

۲. مقدمه تاریخ گزیده، ص ط.



ابوسعید بهادر. له: «تاریخ گزیده» فرغ من حدود ۷۳۰، و منظومه «ظفرنامه» نظمیه فی ذیل شاهنامه للفردوسی الطوسی فی ۷۵ الف بیت علی بحر التقارب، و هی زنة الحماسیات الفارسیة. أخبر عنه فی اول کتابه «تاریخ گزیده» ص ۵ من طبعة لیدن ۱۹۱۰ و توجد نسخة منها فی بریتیش موزیوم کما فی ذیل فهرسته (ریو، ص ۱۷۲-۱۷۴) فرغ من نظمیه ۷۳۵ بعد خمس عشرة سنة. و کان قد شرع فیه و هو ابن اربعین سنة و جعله فی ثلاثة اقسام: ۱- تاریخ العرب و سمّاه «اسلامی» فی ۲۵ الف بیت ۲- تاریخ الفرس بعد الاسلام و سمّاه «احکام» فی ۲ الف بیت، ۳- تاریخ المغول و سمّاه «سلطانی» فی ۳۰ الف بیت. وله: «نزهة القلوب» فی الجغرافیا، فرغ منه ۷۴۰. ذکر فیه انه من احفاد حرّ الریاحی بثمانی عشرواسطة و هو الذی التحق بالحسین من معسكر الامویین واستشهد معه يوم عاشورا، و اورد فیه فضایل الکوفة والکربلاء و المدينة. و ذکر احادیث فی فضل زیارة الحسین فی اول رجب. و آرائه الفلسفیتة تدل علی تشیعیه. هذا و فی قرن الحادی عشر نرى عائلة صاحب «الوسایل» محمد بن الحسن ایضا ینتسبون الی الحر الریاحی هذا.^۱

مستوفی در نزهة القلوب در چند مورد به احوال خود اشاره می‌کند:

۱- بعضی از «گون» بلند می‌باشد چنان که سایه دهد. و من در جابلق دیدم چنان که مرد در او می‌رفت و نمی‌شکست.^۲

۲- و من این حال را معاینه دیدم که در تبریز طاق بزرگ مرد بد وزیر خواجه تاج‌الدین علیشاه در چرنداب بیفتاد و زمین سرخاب نیز جنبان شد و مسافت میان ایشان زیاده از دو هزار گز بود.^۳

۳- و عبدالله اوحدی گوید: «بعضی حکما بر آن‌اند که به طرف جنوب پیوسته دریا باز

۱. الحقایق الراهنة فی المائة الثامنة، ص ۶۳.

۲. کتاب حاضر، ص ۳۵۸.

۳. کتاب حاضر، ص ۲۶۱.

می نشیند و زمین و خشکی می فزاید، و در طرف شمال، زمین خشک داخل دریا می شود چنان که در هر ده سال یک فرسنگ زمین از این بدان نقل می شود و لایزال بر این صورت است». و این ضعیف می گوید که این سخن را اکابر حکما به براهین معتبر جواب گفته و باطل گردانیده اند.^۱

۴- و من در حله چنین مردی دیدم که به پا خیاطت کردی.^۲

۵- به چند نوبت که جامع الحساب ممالک نوشتیم.^۳

۶- و من در بغداد به وقت آن که تقریر اموال آنجا می کردم نسخه ای قانونی دیدم.^۴

۷- و به ظاهر آن (قبر امام حسین علیه السلام) قبر هژدهم جدم حر ریاحی است.^۵

۸- نسخه ای دیدم به خود پدر جدم امین الدین نصیر مستوفی که در عهد سلاجقه مستوفی دیوان عراق بوده.^۶

۹- و من آنجا (همدان) رسیدم شب آینه بود.^۷

۱۰- در سنه احدى عشر و سبع مائه هجری - فرمان اولجایتو سلطان به اتفاق مهندسان،

بلندی آن کوه (کوه بیستون) را گز نمودیم.^۸

آثار و تألیفات حمدالله مستوفی

از این دانشمند بزرگ - که به قول استاد دکتر احسان اسراقی بزرگترین عالم زمان خود بوده است - آثار بسیار ارزشمندی به جا مانده که عبارتند از:

۱. کتاب حاضر، ص ۲۷۲.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰۸۵.

۳. کتاب حاضر، ص ۷۶۴.

۴. کتاب حاضر، ص ۷۶۷.

۵. کتاب حاضر، ص ۷۷۰.

۶. کتاب حاضر، ص ۷۸۹.

۷. کتاب حاضر، ص ۹۶۳.

۸. کتاب حاضر، ص ۹۶۵.



۱- تاریخ گزیده: تاریخ عمومی جهان است تا سال ۷۳۰. این کتاب یکی از منابع مهم تاریخی است که تاکنون چند نفر آن را تصحیح و چاپ کرده‌اند. بهترین چاپ آن چاپی است که توسط استاد دکتر عبدالحسین نوائی در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی توسط انتشارات امیرکبیر منتشر و تاکنون چندبار افست شده است. اخیراً چاپ جدیدی از این کتاب توسط دانشمند محترم جناب آقای محمد روشن به بازار عرضه شده است. در ابتدای مقدمه آقای روشن مرقوم فرموده‌اند به پیشنهاد مرحوم ایرج افشار این کار را کرده‌اند، اما از اختلاف کار خود با دکتر نوائی هیچ توضیحی نداده‌اند. این چاپ را با چاپ دکتر نوائی سنجیدم. نه تنها مزیتی بر چاپ دکتر نوائی ندارد بلکه اعتبار چاپ آن مرحوم را مضاعف کرده است. وقتی کتابی پس از شصت سال از چاپ قبلی توسط فرد دیگری تصحیح می‌شود لااقل بایستی توفیری داشته باشد که این چاپ جدید ندارد.

در میان کتب خطی مرحوم پدرم نسخه خطی خرائاتی از تاریخ گزیده بود که سالها پیش آن را با چاپ دکتر نوائی مقابله کردم. اضافات ارزشمندی دارد، اما خودم فرصت نکردم آن اضافات را به صورت مقاله‌ای منتشر کنم تا اگر حیثاً محقق دیگری خواست این کتاب را چاپ جدیدی کند به کارش بیاید امیدوارم محقق جوانی این کار را بکند، یا اگر فرد دیگری خواست چاپ جدیدی از تاریخ گزیده انجام دهد، حتماً این نسخه یکی از نسخ مورد استفاده‌اش باشد.

همان‌طور که گفته شد، علامه شیخ آغا بزرگ طهرانی در الذریعة (جلد سوم حروف تا) مرقوم فرموده‌اند: «تاریخ گزیده. فارسی. لحمدالله بن اتابک بن حمدالمستوفی القزوينی المتوفی سنة ۷۵۰ صاحب «نزهة القلوب» المذكور فيه فضل زیارة اول رجب کمایاتی وان کان قد عدّه فی انساب النواصب من العامة کما عدّ فيه هشام الکلبی من الشافعية المختص بمذهبنا بتصریح النجاشی».

مستوفی در همین کتاب نزهةالقلوب دو بار از این کتاب خودش یاد کرده و نوشته: «اکنون از وقایع بزرگ که از عهد رسول - صلی الله علیه وآله وسلم - تاکنون ظاهر شده و در کتاب گزیده شرح کرده‌ام شمه‌ای بر سیل ایجاز و اجمال یاد کنیم»^۱ و احوال آن اگرچه در کتاب گزیده مشروح گفته‌ام»^۲.

۲- ظفرنامه: این کتاب را مستوفی در سال ۷۳۵ یعنی پنج سال پس از تألیف تاریخ گزیده و پنج سال قبل از تألیف نزهةالقلوب در تاریخ از زمان پیامبر گرامی اسلام تا همان سال ۷۳۵ یعنی اواخر دوران سلطنت ابوسعید مغول در ۷۵ هزار بیت سروده که می‌توان گفت نیک است بر شاهنامه. از این هفتاد و پنج هزار بیت، یک سوم آن یعنی بیست و پنج هزار بیت تاریخ عرب، و بیست هزار بیت تاریخ سلاطین ایران و سی هزار بیت باقی مآثره تاریخ مغول است. مستوفی برای خلق این اثر، پانزده سال زحمت کشیده چون در اواخر کتاب اشاره‌ای به چهل ساله بودن خود می‌کند. این کتاب مانند تاریخ گزیده و نزهةالقلوب جایگاه خاصی در ادبیات ایران دارد. ظفرنامه گذشته از آن که در قسمت مغول مطالب ارزنده‌ای آورده، به علت وجود وزن و قافیه نیز از لحاظ ضبط و تلفظ اسامی تاریخ و مغولی بی‌نهایت مهم و مفید است. این شاهکار به علت قلت نسخ خطی تاکنون چاپ نشده بود، اما در سنوات اخیر به همت پژوهشگران محترم پژوهشگاه علوم انسانی، زیر نظر استاد مهدی مدائنی قرار است در یازده جلد چاپ شود (تاکنون نه جلد آن به طرز آبرومندی آن طور که در شأن مستوفی و پژوهشگاه علوم انسانی است منتشر شده و بقیه در دست چاپ است). در همین کتاب نزهةالقلوب، مستوفی سه بار به ظفرنامه اشاره می‌کند: «چنان که در سبب نظم کتاب ظفرنامه عذر خواسته‌ام»^۳.

۱. کتاب حاضر، ص ۱۹۲.

۲. کتاب حاضر، ص ۷۹۹.

۳. کتاب حاضر، ص ۹۷.



و دو بار: «و من در ظفرنامه گفته‌ام».^۱

علامه فقید شیخ آغابزرگ طهرانی این کتاب را در الذریعة معرفی فرموده‌اند.

۳- نزهة القلوب: درباره این کتاب بحثی مستوفی خواهد شد.

۴- نمودار الثوابت: از این کتاب مستوفی در هیچ‌کدام از منابع کتاب‌شناسی ذکر نشده و خود مؤلف در نزهة القلوب دو بار به این کتاب اشاره کرده:

۱- و درین کتاب از آنچه از نقل کتب مذکوره از صور و اشکال و اعداد و اقدار و اطوال و عروض و اسامی ثوابت در کتاب نمودار الثوابت مشروح کرده‌ایم شمه‌ای بر سیل اجمال و شیوة سیاق یاد کنیم.^۲

۲- و اسامی بروج و اطوال درین سال اربعین و سبع مائه هجری که تألیف این کتاب است و عروض و اقدار مشایخ کتاب چنان که در کتاب نمودار الثوابت آورده‌ام درین جدول نهادم.^۳

۵- مفاخر (مواخر) التواریخ. حاجی خلیفه از این کتاب نام برده و می‌گوید که حمدالله این کتاب را در ۷۲۴ هجری قمری به زبان فارسی و در بیست و پنج باب تألیف کرده بود؛ سپس تصریح می‌کند که ابواب و مطالب تاریخ گزیده افزون‌تر از مفاخر التواریخ است. از آنجا که تاکنون نسخه‌ای از این کتاب شناسائی نشده است نمی‌توان درباره آن به درستی نظر داد اما بعید نیست که کتاب یاد شده نسخه خردتر همان تاریخ گزیده باشد.^۴

۶- تصحیح شاهنامه و مقابله نسخه‌های متعدد آن که اولین کار علمی او بوده است.

۱. کتاب حاضر، صفحات ۶۷۳ و ۷۲۱.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۲۷.

۳. کتاب حاضر، ص ۱۶۳.

۴. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل حمدالله.